

جانشین بغدادی فرانسوی است، موج جدید اعتصاب‌ها،سانگر علیه پناهمجویان، همه پرسی در ونزوئلا، امارات پشت حمله هکری قطر و رسوایی کمک شاهزادگان سعودی به القاعده سرخط خبرهای روزنامه‌های ایتالیا است. روزنامه «لارپوبلیکا» هم خبر داده است: «ریش دیوار ورزشگاه در داکار هشت قربانی گرفت».

در حاشیه، در متن **علی شکوهی**

چرایی قبول یک قطعنامه (۲)

از آنجا که ما عراق را آغازگر جنگ تحمیلی می‌دانیم و سازمان ملل هم بر این امر مشاهدات داد و صدام را به عنوان متجاوز معرفی کرد، تعبیر «دفاع مقدس» را برای این جنگ هشت‌ساله بسیار مناسب می‌دانیم. طبیعا دفاع از سرزمین و حیثیت ملی برای هر کشور حقاییت و مطلوبیت می‌آورد اما جمهوری اسلامی ایران در تمام مراحل این جنگ واقعا مظلوم بود چون در دفاع از خود نیز از بسیاری امکانات محروم شد در حالی که متجاوز تا آخرین روزها از سوی بسیاری از ابرقدرت‌ها و دولت‌های منطقه مورد حمایت بود. در این باره دو نکته دیگر را مورد توجه قرار می‌دهم.

تداوم دفاع بعد از فتح خرمشهر

برخی از جریان‌های سیاسی معتقدند ایران باید جنگ را از مقطعی مشخص به اتمام می‌رساند و مهم‌ترین مقطع هم می‌توانست زمانی باشد که ایران خرمشهر را از اشغال عراق‌ها آزاد کرد. در عین حال بسیاری از افراد هم معتقدند در آن زمان هم ما امکان قبول صلح و ائت‌پس را نداشتیم و بنابراین چاره‌ای جز تداوم جنگ وجود نداشت. همین نظرات هم در میان مسوولان وقت ما مقبول واقع شد و تصمیم به ادامه جنگ و حتی ورود به خاک عراق گرفتند. آنان معتقد بودند:

۱- در جنگ آسیب زیادی دیده بودیم و عراق کمترین خسارت را دیده بود. اگر جنگ در مقطع شکست عراق در خرمشهر که ما در قدرت بودیم پایان می‌یافت، در واقع هیچ ضربه کاری بازدارنده‌ای به عراق وارد نشده بود و این یعنی باز هم باید منتظر یک حمله و تجاوز مجدد از سوی عراق می‌بودیم.

۲- عراق هنوز در داخل کشور ما بود برخی از مناطق مانند نفت‌شهر و قصر شیرین… و را در اشغال خود داشت که آزاد کردن آنها از طریق نظامی میسر نبود یعنی باید ما در مناطق دیگر بخشی از خاک عراق را به اشغال در می‌آوردیم تا امکان مبادله آنها به هنگام مذاکره و اعلام ائت‌پس وجود می‌داشت.

۳- در آن زمان بحث زدن شهرها و مناطق مسکونی ایران از سوی عراق یک ماجرای تلخ و زیانبار بود که باید برای آن فکری می‌کردیم. تنها راه این بود که عراق به حدی از مرزهای ایران دور شود که نتواند با تویخانه شهرهای ایران را مورد هدف قرار دهد. این کار با راندن ارتش عراق به پشت مرزهای بین‌المللی میسر بود.

۴- بعد از فتح خرمشهر ایران نمی‌توانست به صورت یکجانبه به جنگ پایان دهد چون باید یک منطق مقبول جهانی برای تضمین توافقات ایجاد می‌شد و در آن زمان وجود نداشت. ائت‌پس یکجانبه هم معنا نداشت و در واقع معلوم نبود براساس کدام روش باید جنگ تمام می‌شد و مذاکرات صورت می‌گرفت و آیا عراق هم به این منبایه که ایران قبول داشت، تن می‌داد. باید این همه ابهام نمی‌شد جنگ را به پایان برد. دلایل دیگری هم قابل ذکر است اما جنگ با همین منطق ادامه پیدا کرد و ایران وارد خاک عراق شد و بعد از این مرحله بود که کشورهای حامی صدام به خودشان آمدند و ارتکاب‌هایی را برای پایان جنگ و جلوگیری از شکست عراق تدارک ک دیدند که حمایت همه‌جانبه از صدام و بعد تصویب قطعنامه ۵۹۸ یکی از آن ارتکاب‌ها بود.

قطعنامه‌ای برای پایان جنگ

قطعنامه ۵۹۸ بر شراطی به تصویب رسید که امریکا و شوروی با هم بر سر تمام کردن جنگ ایران و عراق به تفاهم نسبی رسیده بودند. امریکا دوست نداشت که این جنگ برلین داشته باشد و شاید شوروی هم به همین ترتیب رسیده بود. قطعنامه ۵۹۸ تدارک دیده می‌شد ایران از طریق شوروی نظرات خود را مطرح می‌کرد تا این قطعنامه به گونه‌ای تصویب شود که مواضع ایران هم در آن باشد. به همین دلیل مواردی مانند بازگشت به سرزمین بین‌المللی و تعیین متجاوز و نامین خسارت هم در این قطعنامه گنجانیده شد و شورای امنیت سازمان ملل هم وارد ماجرا شد تا مبنایی برای پایان جنگ ایجاد شود. پیش از این هرچه بود پیشنهادهای بی‌منا و وعده‌های غیر حقوقی و شایعات باورکردنی بود. اینکه فلا ن کشورها به ایران پیشنهاد نامین خسارت داده‌اند یا کنفرانس اسلامی و سازمان غیرمتمدها و دیگران واسطه شدند تا تصمیمی برای صلح باشند و مواردی از این دست به هیچ‌وجه قابل اعتنا نبودند اما قطعنامه ۵۹۸ از مواردی است که پشتوانه حقوق بین‌الملل داشت و می‌توانست مبنای پایان دادن به یک جنگ هشت‌ساله باشد.

ادامه دارد



شکاف میان انگلیس در آستانه دومین دور مذاکرات بر گزیت و هشدار کارشناسان درباره افزایش قیمت مواد غذایی بعد از برگزیت، سرخط خبرهای روزنامه‌های انگلیس در صبح روز دوشنبه است. روزنامه «گاردین» هم گزارش داده است: «حملات سایبری، ۹۲ میلیارد پوند به اقتصاد جهان آسیب می‌زند».



ملاقات رییس جمهوری فرانسه و نخست وزیر رژیم صهیونیستی، گسترش آتش سوزی در شهرستان، «بوش-دو-رون» و بیانیه دیدبان حقوق بشر در مورد آمار کشته‌شدگان درگیری‌های سوریه سرخط خبرهای روزنامه‌های فرانسه‌است. روزنامه «لیبراسیون» هم در گزارشی نوشته است: «رکبه» چه کسی اردوغان را متوقف خواهد کرد؟».



تیتز مصور | فرشته کوچک آتنا آرش صفری

گره کور برای ورود به اجتماع

در گرمای داغ تیرماه و دقیقا در روزهایی که منتظر کاهش دما بودیم، نسل کنکوری سال آینده، سال تحصیلی جدید خود را بی‌سر و صدا آغاز کردند. چیهایی که مجبورند این روزها سر کلاس درس بنشینند و یک‌سال زودتر، خود را آماده کنکوری کنند که سال‌های سال است زندگی جوان‌ترهای این سرزمین را در روزگاری پر از دغدغه و استرس کرده و هیچ راه خلاصی و راهی هم ندارد. حرف‌ها درباره کنکور، کلیشه و تکراری است. اما آنچه باعث شده تا سراغ آن برویم، همین آمادگی یک‌ساله است و اجبار برای شروع سال تحصیلی در گرمای داغ تابستان و شروع برای آدامگی در ریاضیات برگزیه‌رقابتی که البته بین شاگردان و دانش‌آموزان مدارس متفاوت شهر است و برای قشری که مدرسه «خوب» می‌روند و باید طبق برنامه درسی از حالا به فکر باشند.

دختران و پسران ۱۷ و ۱۸ ساله و دانش‌آموزان این مدراس، حالا سر کلاس‌های درس نشستند و آینده خود را در کتاب و دفتر و درس خواندن مداوم و سخت می‌بینند.

فراغ از اینکه در نهایت چه اتفاقی می‌افتد، اما سوال اصلی اینجاست که در روزگاری که ظرفیت دانشگاه بیشتر از ظرفیت متقاضیان است و در شرایطی که اکثریت شرکت‌کنندگان در کنکور، به هر حال در یک رشته شانس قبولی دارند، این همه استرس و فشار برای چیست؟ اکثریت جمعیت دانش‌آموزان ایرانی، نسل چهارمی‌هایی که قرار است در آینده وارد دانشگاه شوند، از همین حالا می‌دانند که اوضاع بازار کار خوب نیست و جمعیت‌اکثریتی از فراغ‌التحصیلان دانشگاه گاهی آنقدر بیگار می‌مانند که سراغ فوق‌لیسانس و دکترا می‌روند و خوش‌شانس‌ترها هم پذیرشی از یک دانشگاه خارجی می‌گیرند و مهاجرت می‌کنند.

در این میان تنها چیزی که سرنوشت‌های بچه‌های این سرزمین را تغییر نمی‌دهد، ادامه تحصیل است و درس خواندن. در واقع اگر همین حالا بخواهیم برای این بچه‌های نوجوان ایستاده در آستانه جوانی و ورود به اجتماع برنامه‌ریزی کنیم، برنامه‌ای بهتر از درس خواندن پیدا نمی‌شود. اتفاقی که به ذات درست و هوشمندانه است، اما وقتی تبدیل به یک برنامه اجباری و ازسری‌برنامگی می‌شود، شکل ناخوشایند و نادرستی پیدا می‌کند. این بچه‌ها نه از همین سال «پشت کنکور» که از زمان ورود به دبیرستان، خود را برای این maratn سخت آماده می‌کنند و در این شرایط ناخادانه، برد اصلی با مدرسه‌های «خوب» و «خیلی خوب» با شش‌په‌ای سالانه بالا و کلاس کنکورهایی است که از دهه ۷۰ اقبال و گسترشی بزرگ داشتند و هیچ وقت خالی نمی‌مانند و تبدیل به تجمراتی پررونق شده‌اند؛ تجارتی که هیچگاه ورشکسته و فرم ندارد. در نقطه مقابل هم همیشه سوال این است که به جای کنکور چه طرح و برنامه‌ای می‌شود داشت، که البته همیشه به به جوابی قاطع، درست و کارساز نمی‌رسد. در یک پورسه چندساله، بسته به احساس مسوولیت والدین و البته میزان درآمد آنها، هزینه‌های مالی تنها بخشی از این جریان است و مهم‌تر از آن هزینه‌های معنوی است که به جوان‌ترین قشر جامعه وارد می‌شود تا در مسیری قرار بگیرد که چندان شفاف و واضح نیست و جایگزین بهتری هم ندارد.

در کنار این ابهامات، استرس و اضطراب وارد شده، تلاشی که معمولاً نتیجه صددرصدی ندارد و آسیب‌های روانی دیگر، نسل پشت‌نسل و کنکور به کنکور به جوان‌ترها وارد می‌شود و اکثریت جامعه ایرانی را اسل‌های سال است که درگیر کرده. شروع دوره جوانی و ورود به اجتماع، در نخستین قدم آنچنان سخت و نفسگیر است که در ادامه، فشارهای نظیر بیکاری، مشکلات اقتصادی و… هم به آن اضافه می‌شود تا به نسبت آسیب‌ها و البته موفقیت‌ها و سال‌های آینده آنچنان روی دوش سنگینی کند که توان را برای در ادامه با آدم‌هایی روبرو شویم که زمان ورود به جامعه نفس راحت نکشیدند و زندگی را به این روز انداخته؛ گره‌ای که با یک برنامه‌ریزی درست، اندکی آگاهی خانواده و شاید پیدا کردن مسیری دیگر برای خوشبخت بودن، از همان ابتدا ایجاد نشود و روزی، روزگاری یا نسلی آرام‌تر و به خود متکی تر روبرو شویم.

در نتیجه این‌طور می‌شود که در آمارهای جهانی، مدام در حرف‌های آخر شادای و رضایت از زندگی هستیم و مدام به دنبال نخستین گره کوری که ما را به این روز انداخته؛ گره‌ای که با یک برنامه‌ریزی درست، اندکی آگاهی خانواده و شاید پیدا کردن مسیری دیگر برای خوشبخت بودن، از همان ابتدا ایجاد نشود و روزی، روزگاری یا نسلی آرام‌تر و به خود متکی تر روبرو شویم.

دهن زیبا جاذبه نمی شناسد

تورهای هفتگی روسیه آنتالیا

رز سفید جهان
خدمات مسافرتی و گردشگری

شرکت خدمات مسافرتی رز سفید جهان

زغرانیه، مقدس اردبیلی، ساختمان ۱۰۰ واحد ۵۰۱
خط ویژه : ۷۵۲۴۸۰۰۰ ۲۶۲۰۴۷۴۱ ۲۶۲۰۴۵۶

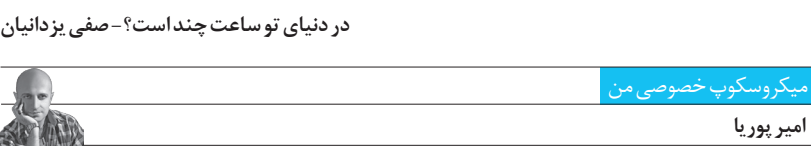
نظرات خود را برای ما پیامک کنید
۳۰۰۰۴۷۵۳

تیتز مصور | فرشته کوچک آتنا آرش صفری



فلاش‌بک

همیشه حواسم پرت بود؛ نه از تو، همیشه همه حواسم جمع تو بود…



امیر پوریا

آقای کیارستمی و گذر از مرگ هراسی

میکروسکوپ خصوصی من

دنیای تو ساعت چند است؟- صفی دزاینیان

عکس نوشت

اسروز از زمانی که جسم آقای عباس کیارستمی را به خاک تپه روی آرامگاه ترک/ تک مزرعه لوسان سپردیم و یاد و ادم‌های همچنان در حال تکمیل او را بخود برداشتیم، یک سال و شش روز می‌گذرد. در چهاردهم تیر ۱۳۹۵ جان ایشان تحت شرایط فرساینده‌ای که می‌توانست به سادگی پیش نیاید، در حالی یارای تداوم را از کف داد که همچنان لبریز از شور زندگی و مصداق بارز همان تیرخودشان بود که «هر کس کار ناتمام دارد، او دنیا نمی‌رود». کارهایی که در همان دوران چهارماهه بستری کردند، بسپارزند و ما فقط گوشه‌ای از آن همه را می‌دانیم؛ آنقدر، آن‌همه بی‌سازندگی و ریزش‌کاری و نازک‌کاری‌های فیلم «۲۴ فریم» که در جشنواره کن هفتادم به نمایش در آمد و به منزله واپسین اثر ایشان در تاریخ سینما خواهد ماند تا ویرایش خاصی کتاب «سِر کلاسی با کیارستمی» نوشته پل کروئین که ایشان برگردان فارسی سهراب مهدوی را با آنچه خود به فارسی در کلاس‌ها گفته بودند، یکی کردند. فیلمی که در تدارک ساخت آن در چین بودند تا که همه می‌دانیم در آستانه کلید زدن بود و دو سال پیش همه کارش انجام شده بود. هنوز چندماه‌ها بین‌المللی را راه داشتند از عکس‌هایی که در موزه لوور پاریس گرفته بودند و هر کدام، کسالتی را حل داد بازدید از یک‌اثر مشخص ثبت کرده بود «قاب در قاب» مبنای اصلی‌شان بود و بعد کسی که اثر را می‌دید و آدم‌ها یا اشیاء یا المان‌های توی اثر، ربط و نسبتی با واقع‌ای این نسبت‌ها، طنزآمیز. برای جشن امضا برای کتاب دوچولدی شب در اشعار شاعران معاصر و شاعران کهن ایران، با طرح و تصمیمی که در ذهن داشتند، بهانه‌ای بود برای طرح این نکته طنزانه و تعجب‌آور که شعری قدیم ما که در عکس محبوب چه‌ها کشیده بودند که با آمدن شب، آن چنان سوز و گذارشان بر شعر جاری می‌شد؟ اما زمان نماند و طرح‌ناظرچام‌ماند و حسرت بر دل‌های ما… این‌ها یادگار کم‌تار عنص آنچه وزیر بهداشت، دکتر قاضی‌زاده هاشمی و قائم مقام ایشان دکتر حریرچی در مراسم سالگردشان ۱۲ روز پیش در روز چهاردهم تیر ۱۳۹۶ در سالن تازه تاسیس مرکز همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی تهران گفتند، به‌شدت جای مکث دارد.^(۱) کسی که آنها می‌گفتند نباید به وضعیت وخیم دچار می‌شد، تا این حد هنوز سرخوش و طنزناز بود. دومی واقع‌نگرانه گفت که اگر شرایط عمل جراحی نخست ایشان به درستی پیش می‌رفت و به عوارضی که منجر شد، نمی‌کشید، حتی نیازی نبود با نامیدی و واژگی از سه جراحی بعدی، به فرانسه بروند. در قیاس با آن نگرش مکرر بسیاری نوبزشک‌ها- به سیاق «نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد»- که برای خلاصی از خطاپذیری، در جا می‌گویند «اعزام ایشان به پاریس به صلاح نبود». این دیدگاه قائم مقام وزیر، خود نشانگر مفهوم اصلی‌ا در ک مسوولیت‌های صنفی است که جایگزین تلقی کلیشه‌ای از «اتحاد صنفی» می‌شود. اما اولی یعنی وزیر بهداشت، بعد از حرف‌های خود در پاسخ برضا کیانیان با یکی از درخشان‌ترین صحنه‌گردانی‌های

نشست روز

تاریخ شفاهی کتاب

سیزدهمین نشست «تاریخ شفاهی کتاب» فردا و با حضور محمدرضا نجابیان اصل، مدیر انتشارات رسا، در سری‌اهل قلم خانه کتاب برگزار می‌شود و قرار است هم‌زمان با برگزاری این نشست، گزارش‌رژنده آن راود یابینرتنی رویندا پخش شود. دوره جدید برگزار می‌شود.

سلسله نشست‌های «تاریخ شفاهی کتاب» با مدیریت نصرالله حدادی، نویسنده و پژوهشگر حوزه نشر کتاب، از فروردین‌ماه‌ه‌سال ۱۳۹۶ آغاز شده و تاکنون ۱۲ نشست از این سلسله جلسات برگزار شده است. این نشست ساعت ۱۰ صبح میز می‌شود.

لغت

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌آگاهان را در سایت بخوانید

■ صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: **الیاس حضرتی**
■ جانشین‌مدیرمسئول و رئیس‌شورای‌سیاستگذاری: **بهروز یزدانی**
■ سردبیر: **چواد دلبری**
■ معاون‌اجرایی: **حجت‌طیبه‌سامی**
■ مشاورمدیرمسئول: **محمد حضرتی**
■ رئیس‌سازمان‌آگهی‌ها: **علی حضرتی**
■ نمایان: **خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن‌بست مینو**
■ تلفن‌خانه: **۶۶۱۲۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۲۴-۶۶۱۲۴۰۲۱**
■ نمایر: **۶۶۱۲۳۰۰۱**
■ توزیع: **نشر گستر امروز**
■ تلفن: **۶۱۹۳۳۰۰۰**
■ چاپ: **نشر روزتاب**
■ تلفن: **۴۴۴۵۰۷۶**

■ آبان‌ظهر: **۱۳/۱۱**
■ غرب‌آفتاب: **۲۰/۱۹**
■ آبان‌مغرب: **۲۰/۱۹**
■ آبان‌صبح‌فردا: **۴/۲۱**
■ طلوع‌آفتاب‌فردا: **۶/۰۲**

نگاه آخر

سیدمحمدبهشتی

چرا در فقدان مریم میرزاخانمی سوگواریم

طرفه ریاضی است که تارستخیز/ سبزه‌او را نبود برگ‌ریز

است. در آنجا انسان‌ها حتی معز «زندگی» را می‌زند و نه پوسته آن را که «زنده‌بودن» است. آنچه ما عمر می‌نامیم، حتی از هشتاد و نود هم که تجاوز کند، بیشترش کلاه است و کمترش گندم. ولیکن در آن عالم از عمر نیز فقط مغز مانده و نه کلاه. لذا عمر مقیمان آن عالم با ترازوی عمر ما قابل سنجش نیست. چهل سال هم اگر سرآسر معز باشد و نه حشو و زوائد، شاید از هزار سال نیز تجاوز کند. اگر افضای زندگی در آسمان ریاضیات، به پیمانه ما زمینی‌ها، عمر کوتاه باشد چه باک‌واقتی که او مسلما خودش هم یک‌روز زندگی در آن سیاره را به‌سال‌ها زندگی در زمین ما ترجیح می‌داد. اصلا در عالم کیفیت مجرد، زوال نیستی بی‌معنی است؛ مگر نه این است که خوارزمی در لگاریتم زنده است و فتوحش از هر کسی از غریب به هزار و سیصد سال در پیشرفته‌ترین فناوری‌های‌مان نیز حضور دارد و لذا اگر کسی در باره طول عمر کوتاه یا طولانی خوارزمی بگوید، بیشتر خنده‌مان می‌گردد!

این حجم از واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی به درگذشت مریم‌میرزاخانمی ستودنی است. لیکن دلسوزی ما بیشتر به‌اعتبار معادلات و ملاحظات زمینی سوام است؛ از آنجا که حضور و رخسار او در آسمان ریاضیات مدام دلخوشی‌مان بود. ریاضیات آن دور‌ترین آسمان قابل‌تصور برای ما است که فتوحش از هر کسی بر نمی‌آید. ریاضیات از هر علم و هنری بالاتر می‌نشیند چراکه انتزاعی‌ترین امور نیز باز حاصل تقلیل یافتن ریاضیات است و در عالم کون، شاید سپهری رفیع‌تر از ریاضیات خلق نشده‌باشد. پس از مدت‌ها دل‌مان به حضور او در این رفیع‌ترین آسمان خوش بود؛ از آنجا که به قول سیدحسین نصر از پس از شیخ بهایی، یعنی نزدیک به حدود چهار سده، دیگر سفیری از خاک ایران به آسمان ریاضیات نرفته‌است. بودیم. در خردسین او در این آسمان، باز به یادمان آورده بود که خوارزمی‌ها، خیام‌ها، فیث‌الدین جمشید کاشانی‌ها و… هم از این خاک به افلاک رفته بودند. این دلسوزی ما برای خودمان است و نه‌او.

زندگی و حتی مرگ او باید سیلی‌ای باشد بر صورت‌های‌ما، اگر هنوز بسیاری‌ای راه‌لی نکرده‌ایم؛ اگر در به سامان کردن عالمی مصفا تاوان بوده‌ایم؛ اگر مرزها و آسمان‌های آن عالم را بسوی نبخشیده‌ایم و مدام متولد شدن و زندگی کردن در مرزهای سیاسی و طبیعی این زمین را عامل ناگهی‌های خودشمردیم؛ اگر از قدم گذاشتن به حیطه‌های ناشناخته‌حذر کرده‌ایم و دست‌را برای آزمایشگیر بودن‌مان شمامت کرده‌ایم؛ اگر به قول بهمن اگروپوری «ذهن‌مان به جای پرواز، مدام سوادای خفیز بر که و مرغانی و غذای سهل‌الوصول بوده‌است».

رسانه‌باز

جلال سمیعی

مشاور روابط عمومی و برندینگ

مدل مصرف رسانه و محتوا

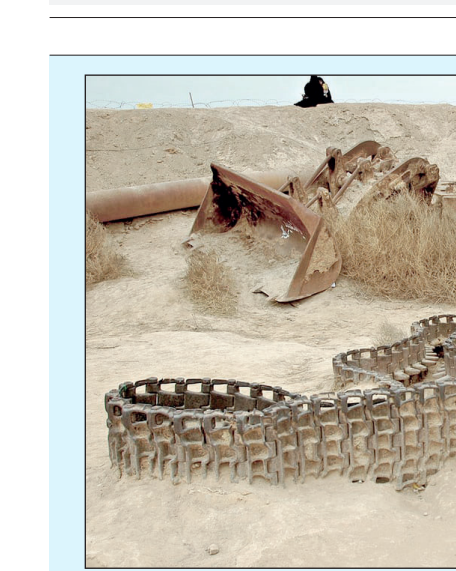
۱- در پارس‌آباد تلخ‌تلق و نامعمولی می‌افتد و دخترچپه‌ای با نام آتنا چند هفته ناپدید می‌شود؛ مردم محلی در شبکه‌های اجتماعی با یافتن او فراخوان می‌دهند و در نهایت، جسد دخترچه در خانه قاتل پیدا می‌شود؛ گام جدید، اطلاع‌رسانی مردم خشمگین در اینترنت و حلا فراتر از استان اردبیل، خشم و اندوهی ملی و حتی فراتر از مرزهای ایران است که تشدید می‌شود. مردم شهر به خانه قاتل هجوم می‌برند؛ مسوولان محلی تلاش می‌کنند اوضاع را آرام کنند… در این میان صدواوسیم‌ها هم بالاخره رضایت می‌دهد که در واکنشی ناگزیر، خبرها را پوشش دهد.

۲- چه چیزی در کشور تغییر کرده‌است؟ آیا به قول بعضی از تحلیلگرهای عصبانی، مردم به‌خاطر ماهواره و اینترنت به سمت جنایات بیشتر رفتند؟ این نظر شخصی‌ام را به عنوان کسی که هفت‌نامه حوادث را در نوجوانی‌ما به یاد دارم، معتقدم که بیشتر از هر تحلیلی باید دقت کرد که اگر جنایات‌های عجیب‌بیشتر شده باشند، دست‌کم خبر هادارد بیشتر می‌رسد؛ شاید حادثه‌ها به نسبت جمعیت و شتاب تغییرات اجتماعی بیشتر شده‌اند، اما احتما مردمی که قبل‌تر فقط دو رسانه صدواوسیم‌ا و شایعه‌را داشتند، حالا با تلگرام و توئیتر و اینستاگرام، زنده و بی‌سانسور خبرهای ماجرای آتنا را دنبال می‌کنند؛ برای محرم‌خشمی کودکان و تابه‌های ناموس و آبرو، افشاگری‌ها و اعتراف‌ها و آموزش‌های تازه‌بازنشر می‌شود؛ کدام یک از مواردی که همه این چند دهه باید درباره این تابوها گفته می‌شد، در رسانه فراگیر ملی آموزش داده شد و اطلاع‌رسانی شد؟

۳- پیشرفت ابزارهای رسانه‌ای و تغییرات حدود انحصار

عکس نوشت

اطلاع‌رسانی در ایران، مدل مصرف رسانه و محتوا را هم تغییر داده‌است؛ مردم در تشنگی خبرهایی که همواره در رسانه‌های رسمی‌های‌شان خالی بوده‌است، حالا انواع کمال‌های رسانه‌ای روبرو و هر چند که حتی می‌تواند پیام موق را به آینه‌ها عنوان خیر بدهد. ۴- تلگرام و اینستاگرام و البته توئیتر فیلترشده در ایران، به کار کرده‌های مهم‌تری از خبررسانی رسیده‌اند؛ تگاهی به برجسته‌سازی حوادث و قهرمان‌ها یا ضدقهرمان‌ها در این رسانه‌های فراگیر و غیررسمی نشان می‌دهد که بخش کنترل‌ناپذیری از آموزش جدید و خبررسانی‌ی خط قرمز از صدواوسیم‌ا و نشریات و خبرگزاری‌ها به این‌لبیکشن‌ها منتقل شده‌است؛ نظام جدید بازنشر خبر و محتوای رسانه‌ای در ایران، بر مبنای گروه‌های مرجع و تاثیرگذار جدید بازتعریف می‌شود. تاثیرگذارها (Influencers) در سطوح و دست‌بندی‌های جدید، تبدیل به جریان‌سازهای مهمی در برجسته‌سازی و داغ کردن موضوعات خبری و اجتماعی شده‌اند. ۵- جامعه و رسانه‌ها باید هر چه زودتر این تغییرات مدل مصرف رسانه و محتوا را بشناسند و بپذیرند؛ بازار تجاری مثل همیشه کمی جلوتر از دیگر بخش‌هاست و دست‌کم تلاش می‌کند برای سهم‌خواهی از این جامعه تازه‌اهدایی پیدا کند؛ اگر فرآیندهای پیام‌رسانی در رسانه‌های رسمی هم چندان از فضای غیررسمی و عمومی عقب‌مانند، ممکن است جریان‌های ناشناخته‌خبری و اجتماعی در این بازار آشفته، راه دستیابی به منافع خودشان را به بهای گسترش ایهام و بی‌اعتدای عمومی پیش‌برند؛ ملت‌نازگری در تهدیدها و فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی در سطوح بالای سیاسی و فرهنگی دارد به سرعت می‌گذرد.



نمایشگاه عکسی از شصت و شش عکاس ایرانی از هفته گذشته در فرانسه افتتاح شده‌است. نمایشگاهی که «پرچین» نام دارد و درباره چهار دهه عکاسی در ایران و تحولات اجتماعی در سرزمین ما است. در این نمایشگاه از عباس کیارستمی و مریم زردی و… به عنوان عکاسان نسل قدیمی تا نینوشا توکلیان، آرش خاموشی، آزاده اخلاقی و… به عنوان عکاسان نسل جوان، عکس‌های خود را به نمایش گذاشتند. سایت «گاردین» عصر دیروز، منتخبی از عکس‌های این نمایشگاه را منتشر کرد. در این عکس‌ها هم عکس‌های اوایل انقلاب دیده می‌شود و هم عکس‌هایی که در همین یکی دو سال اخیر گرفته شده عکسی که می‌بینید، یکی از عکس‌های عباس کیارستمی است. عکسی که «گاردین» در توضیح آن از سفر مردم ایران در بهار به شلمچه و جنوب کشور می‌گوید و مناطق جنگی که به یادگار مانده است.